

با سلام

موضوع: ظهور و بروز آن یک زندگی

خدا و زندگی خالق است. هر چه در این دنیا به صورت فرم فیزیکی میبینیم، ظهور و بروز آن یک زندگی است. ما انسانها، به عنوان امتداد زندگی قابلیت خلق در جهان ماده را داریم، اراده آزاد داریم، و دو گونه حق انتخاب داریم:

۱ - هوشیاری را در فرمها و دردها به گره بیندازیم.

۲ - اجازه دهیم هوشیاری به بروز خود آزادانه ادامه دهد، فرمهایی که چه از طریق ما و چه از طریق دیگران خلق میشوند برقصدند، و ما در این میان تنها «شاهد» و «ناظر» باشیم.

مورد اول سنگینی به همراه دارد، و مورد دوم سبکی و رهایی.

مقصود زندگی، بیدار کردن هوشیاری انسانی است، به گونه ای که هوشیاری در ما، آگاهانه به صورت ناظر و شاهد در آمده و آزادانه و با سبکی کامل به خلق فرمها و بروز و ظهور زندگی در ما ادامه دهد.

بیدار شدن تمام انسانها، قطعاً به این معنا نخواهد بود که همه انسانها به یک شکل و فرم ظاهر شوند، به یک سبک و مدل زندگی کنند، یک جور لباس بپوشند و یک جور جشن بگیرند، کارهای مشابه انجام دهند و سلیقه ها و اولویتهای یکسان داشته باشند. خالق که بینهایت است، بینهایت گزینه برای بروز و ظهور خود دارد. اما به نظر میرسد که در جامعه انسانی که همه به حضور زنده باشند، همه در یک چیز مشترکند، و آن این است که به صورت ناظر و شاهدهی در می آیند، که میدانند اصل چیست و فرع چیست. میدانند باطن و اصل ما زندگی است که جدی جدی است، و ظاهر ما این فرمها هستند که بازی هستند.

یار در آخر زمان، کرد طرب سازی
باطن او جد جد، ظاهر او بازی

انسانهای زنده به حضور اجازه میدهند که این فرمهایی که خلق میشوند، برقصدند و تغییر پیدا کنند، و سپس از هم بپاشند و به همان خاستگاه فنا که از آن بر آمده بودند، برگردند.

لحظه ای که جامعه بشری بداند که چه جدی است و باطن «او» است و چه بازی است و ظاهر «او» است، دیگر میدانند که سر آنچه بازی است نباید جدل کند. باید هم خودش آزاد و رها زندگی کند، و هم بگذارد دیگران آزاد و رها به خلق در این دنیا با توجه به قابلیت‌های خود بپردازند. در این حالت انسانها به جای آنکه به کنترل کردن یکدیگر بر اساس ظاهر که بازی است، بپردازند، به صورت شاهدهی در می آیند که تنها ناظر خواهند بود بر آنچه که جدی است (باطن «او») و آنچه که بازی است (ظاهر «او»).

یار در آخرِ زمان، کرد طرب سازی
باطنِ او جدِّ جد، ظاهر او بازی

در اینجا اختلاف و جدال بر اساس ظاهر به پایان میرسد و انسانها در آخر زمان (یعنی لحظه ای که زمان روان شناختی به پایان میرسد) به خلق زیبایی ها و بروز آن یک زندگی همراه با طرب و شادی بی سبب ادامه خواهند داد.

با احترام،
پریسا از کانادا